اخبار

در جلسه مشترک معاونان اول سران قوا مطرح شد

عارف: پیام واحد قوای سه‌گانه حل مشکلات معیشتی مردم است

محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهوری در جلسه مشترک معاونان اول سران قوا با اشاره به اینکه اساس برگزاری این نشست با توجه به مراسم دهه مبارک فجر، انسجام و وفاق است، گفت: مردم رفتار مسئولان را الگو قرار می‌دهند و باید با برگزاری شکوهمند راهپیمایی ۲۲ بهمن و مراسم این دهه موضع وفاق در بخش‌های مختلف حاکمیت منعکس شود.

وی خاطرنشان کرد: در نظام جمهوری اسلامی افراد با دیدگاه‌ها و سلایق مختلف، کنار یکدیگر جمع می‌شوند، اما پیام و برآیند واحد مسئولان در سه قوه رشد و اعتلای کشور و همچنین حل مشکلات معیشتی و اقتصادی مردم است.

معاون اول رئیس‌جمهوری با اشاره به بازدید دو ساعته مقام معظم رهبری از نمایشگاه پیشگامان پیشرفت و نامگذاری سال‌جاری با عنوان «جهش تولید با مشارکت مردم» افزود: دستاوردهای بخش خصوصی در نمایشگاه پیشگامان پیشرفت به نمایش گذاشته شده و حضور تمام مسئولان ارشد در این نمایشگاه نشانگر عزم و علاقه جدی حاکمیت به واگذاری اقتصاد به بخش خصوصی و همچنین اداره امور کشور به مردم است که باید در ایام‌الله دهه مبارک فجر پیشرفت‌های بخش خصوصی در طول ۴۰ سال گذشته و حمایت سران کشور از فعالان اقتصادی و کارآفرینان به منصه ظهور برسد. همچنین حجت‌الاسلام والمسلمین حمزه خلیلی؛ معاون اول قوه قضائیه در این نشست با اشاره به اینکه امروز شاهد پشتوانه قوی مشارکت قوا برای پیشرفت اهداف کشور در یک فضای همدلانه و همگرایانه هستیم، تأکید کرد: در ایام‌الله دهه مبارک فجر پایبندی تمام سران سیاسی کشور به آرمان‌های وحدت‌آفرین بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی به جامعه نشان داده می‌شود.

استیضاح وزیر اقتصاد معلق شد

احمد نادری عضو هیأت رئیسه مجلس گفت: طبق مصوبه هیأت رئیسه مجلس، بنده مأمور برگزاری جلسه‌ای بین استیضاح‌کنندگان و وزیر اقتصاد شدم تا استدلال‌های طرفین شنیده شده و بحث‌ها به صورت رفت‌وبرگشتی انجام شود تا شاید استیضاح‌کنندگان برای دادن فرصتی به وزیر اقتصاد جهت انجام برخی اصلاحات مدنظر نمایندگان قانع شوند و به یک تفاهم فرااستیضاحی و غیراستیضاحی برسند.

وی در ادامه توضیح داد: تفاهم فرااستیضاحی بدان معناست که استیضاح صورت نگیرد، اما نمایندگان نقدهایی به عملکرد وزیر اقتصاد دارند. لذا با این روش، وزیر می‌تواند قول‌هایی به نمایندگان متقاضی استیضاح برای اصلاح و یا شروع روندی داده تا نقدها و کج‌کارکردی‌ها برطرف شود. نادری تأکید کرد: هیأت رئیسه مجلس تمهیداتی برای تفاهم فرااستیضاحی وزرا پیش‌بینی کرده که فعلاً برای وزیر اقتصاد اجرایی می‌شود.

عکس / president.ir

اولین جلسه اصلاح نظام بنگاهداری دیروز با حضور پزشکیان برگزار شد

جدال دولت با هیولای خصولتی ها

گزارش

مرتضی گل پور
روزنامه نگار

آیا دولت پزشکیان می‌تواند غول شرکت‌های دولتی را به چراغ جادو بازگرداند؟ آینده ناترازی صندوق‌های بازنشستگی و اساساً آینده بخش زیادی از اقتصاد سیاسی ایران به این جدال بستگی دارد. روز گذشته اولین جلسه «اصلاح نظام بنگاهداری» به ریاست رئیس جمهوری و با حضور وزیر، معاونان و مشاوران وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برگزار شد. همان‌طور که از عنوان پیدا است، این «اولین جلسه اصلاح نظام بنگاهداری» بود. گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری نشان می‌دهد فقط مباحث اولیه مطرح شد. اما نفس برگزاری این جلسه و تأکید رئیس جمهوری بر تداوم آن نشان می‌دهد آن جدال شروع شده است. اما چرا تصمیم برای اصلاح نظام بنگاهداری در ایران، بویژه در صندوق‌های بازنشستگی، چیزی شبیه بازگرداندن غول به چراغ جادو است؟ زیرا بنگاهداری در دولت و پیدایش یک ساختار حقوقی-مدیریتی جدید در کشور به نام «خصولتی»ها به یک معضل اقتصادی و سیاسی و اقتصادسیاسی بدل شده است. قرار بود بنگاه‌های واگذار شده از دولت به صندوق‌ها، با کار و سود خود هزینه‌های بازنشسته‌ها را تأمین کنند. اما حال شرکت‌ها به جایی برای توزیع فرصت‌های اقتصادی پس از هر انتخابات و بخشش صندلی‌های مدیریتی در یک بده بستان سیاسی بدل شدند. این وضعیت باعث زیان ده شدن این شرکت‌ها شد، به گونه‌ای که امروز دولت‌ها هم باید حقوق کارکنان را بپردازند، هم حقوق بازنشسته ها را. گویی نهاد دولت در ایران، هم چوب را خورد و هم پیاز را. این وسط سود این وضعیت به کسانی رسید که به دلیل ارتباطات سیاسی یا خانوادگی توانستند به مدیریت این شرکت‌های زیان ده برسند. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی حدود ۷۰۰ شرکت دارد که با یک محاسبه ساده می‌توان دریافت چه تعداد صندلی مدیریتی یا صندلی عضویت در هیأت مدیره را شامل می‌شود. فقط یک نمونه از این بده بستان‌ها از سوی عباس عبدی، تحلیلگر سیاسی مطرح شد. عبدی در روزنامه «اعتماد» نوشت: «شنیدم برای برخی از شرکت‌های تابعه وزارت نفت، حتی تا سه نفر نامزد از سوی سه نماینده معرفی شده است. من خودم پیامکی را دیدم که با صراحت تمام معترض بود که چرا انتصاب پدر همسرش را در فلان شرکت نهایی نکرده‌اند و اتلاف وقت می‌کنند؟ یا پیامکی که اگر فلانی را منصوب نکنید یا فلان بخشنامه را تغییر ندهید، سؤال می‌کنیم!» روابطی از این دست، برای رساندن آشنایان به مدیریت شرکت‌های دولتی البته خالی از فایده هم نیست. انتشار صورت مالی شرکت‌ها و پاداش‌های میلیاردی مدیران و اعضای هیأت مدیره همین شرکت‌های زیان ده، یکی از شگفتی‌های سیاسی و اقتصادی در ایران بود که در جهان کمتر نمونه دارد.

وضعیت دو سر باخت برای دولت

به گواه همه کارشناسان و ارزیابی همه پژوهش‌ها، بنگاهداری در دولت، به یکی از گره‌های جدی اقتصاد سیاسی در ایران تبدیل شده است. این گره باعث افزایش هزینه‌های دولت، افزایش ناکارآمدی و فساد، گسترش حامی پروری و روابط ناسالم سیاسی و اقتصادی و درنهایت زیان دهی جدی بنگاه‌ها و شرکت‌های دولتی شده است. وضع این گره در شرکت‌ها و بنگاه‌های وابسته به صندوق‌های تأمین اجتماعی و بازنشستگی بدتر است. در تأیید وضع نامناسب صندوق‌های تأمین اجتماعی و بازنشستگی، می‌توان به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس درباره سهم هر یک از صندوق‌های بازنشستگی از بودجه عمومی کشور در سال ۱۴۰۲ اشاره کرد. به گزارش ایرنا، بر اساس این گزارش، بودجه مصوب صندوق بازنشستگی کشوری برای سال ۱۴۰۲ به میزان ۲۵۳ هزار میلیارد تومان بوده که با احتساب کمک ۲۰۷ هزار میلیارد تومانی دولت در قانون بودجه همان سال، بیش از ۸۱ درصد از کل منابع صندوق مذکور وابسته به اعتبارات دولتی است. همچنین در ادامه حمایت دولت از صندوق‌های بازنشستگی، سهم این صندوق‌ها از بودجه عمومی کشور در سال ۱۴۰۳ به ۱۶ درصد افزایش یافت. درحالی که در سال ۱۳۹۶ سهم این صندوق‌ها از بودجه عمومی کمی بیش از ۱۱ درصد بود. این آمار بیانگر این است که صندوق‌های بازنشستگی، باوجود برخورداری از بنگاه‌ها، شرکت‌ها و در اختیار داشتن مدیریت شرکت‌ها و صنایع مختلف، نمی‌توانند منابع لازم برای پرداخت مستمری بازنشستگان را تأمین کنند. به این ترتیب دولت هر سال در بودجه، هم باید حقوق کارکنان خود را بپردازد و هم حقوق بازنشستگان را. در این صورت، سؤال این است که آن بنگاه‌ها و شرکت‌ها دقیقاً چه فایده‌ای دارند؟ و اگر فایده‌ای ندارند و سودی به بازنشسته‌ها نمی‌رسانند، چرا برای تصدی صندلی‌های مدیریتی و عضویت در هیأت مدیره این شرکت‌ها، رقابت‌های سنگینی در جریان است؟ اولین جلسه «اصلاح نظام بنگاهداری» که دیروز برگزار شد، نشان می‌دهد دولت چهاردهم می‌خواهد این وضعیت را اصلاح کند. اینکه در نهایت دولت موفق می‌شود یا نمی‌شود، یا چه میزان موفق خواهد بود، به عوامل سیاسی، اقتصادی، روابط بین قوا و حتی فرآیندهای تاریخی مدیریت این بنگاه‌ها ارتباط دارد. اما تا اینجا، مسأله این است که دولت عزم خود را برای مواجهه با این غول جزم کرده است.

> آیا دولت پزشکیان می‌تواند غول شرکت‌های دولتی را به چراغ جادو بازگرداند؟ آینده ناترازی صندوق‌های بازنشستگی و اساساً آینده بخش زیادی از اقتصاد سیاسی ایران به این جدال بستگی دارد. به نظر می‌رسد یکی از پیشنهادها برای اصلاح بنگاهداری شرکت‌های دولتی و حرکت به سمت سودده کردن آنها، ادغام این شرکت‌ها است

پیشنهاد ادغام شرکت ها

مطابق جزئیاتی که از جلسه دیروز منتشر شد، به نظر می‌رسد یکی از پیشنهادها برای اصلاح بنگاهداری شرکت‌های دولتی و حرکت به سمت سودده کردن آنها، ادغام این شرکت‌ها است.

این پیشنهاد از سوی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی مطرح شد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، در این جلسه وزیر تعاون و معاونان او پس از ارائه گزارشی از وضعیت شرکت‌های زیرمجموعه، خواستار ادغام برخی از این شرکت‌ها در زنجیره‌های مرتبط بودند. رئیس جمهوری خواستار بررسی بیشتر موضوع و برگزاری جلسات دیگری با حضور اقتصاددانان آشنا با مسأله و سایر مسئولان ذیربط شد. مسعود پزشکیان با بیان اینکه از نظر علمی زنجیره‌های تولید شرکت‌ها باید به صورت واحد مدیریت شوند، گفت: اما با توجه به حساسیت موضوع لازم است جلساتی با حضور اقتصاددانان و کارشناسان برگزار و موضوع به صورت دقیق‌تر به مشورت گذاشته شود. در صورت اجماع نظر کارشناسان و مدیران، می‌توان این موضوع را در جلسه سران سه قوه مطرح و در آنجا مصوبات لازم را اخذ کرد. در پایان هم مقرر شد موضوع در جلسه بعدی با حضور وزرای نفت، امور اقتصادی و دارایی و صنعت، معدن و تجارت بررسی شود.

دولت و غول شرکت‌های دولتی

چرا شرکت‌ها و بنگاه‌های دولتی به غول تبدیل شده اند؟ و چرا بازگرداندن این غول به چراغ جادوی سیاست و مدیریت اهمیت دارد؟ احمد میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در دیدار بازنشستگان کشوری به یک واقعیت تلخ در این شرکت‌ها اشاره کرد.

وی گفت: «هفته‌ای حداقل دو گزارش محرمانه فساد از شرکت‌های زیر مجموعه به‌دست من می‌رسد. شرکتی متعلق به صندوق بازنشستگی کشوری است؛ اگر آن را ۴ بار آتش زده بودیم و از نو می‌ساختیم، به این اندازه زیان به کشور تحمیل نمی‌شد.» اما برای رسیدن به مدیریت همین شرکت بسیار زیان ده که حتی ۴ بار آتش زدنش هم باز به حال کشور سود داشت، رقابت‌های سنگینی در جریان بوده است.

دولت چهاردهم از ابتدای فعالیت خود عزم خود را برای مواجهه با این غول و اصلاح نظام مدیریتی این شرکت‌ها جزم کرد. مثلاً شهریور امثال رئیس جمهوری اعلام کرد «مدیران عامل و اعضای هیأت مدیره بنگاه‌های زیر نظر دولت، اگر نتوانند مجموعه تحت مدیریت خود را به سود برسانند، باید در ضرر و زیان‌های وارده سهیم باشند.» این یعنی دوران «مدیریت و دیگر هیچ» سر آمده است. در دوران مدیریت و دیگر هیچ، مهم نبود که مدیر موفق بود یا نبود، شرکت سود ده بوده یا زیان ده.

وزیر تعاون هم اعلام کرد زین پس استخدام‌ها و بکارگیری نیروها و مدیران تنها باید با شرکت در آزمون‌های سراسری باشد و هیچ مدیر یا عضو هیأت مدیره شرکت‌ها حق ندارد با یک مصوبه، کسی را استخدام کند. اما به رغم این تلاش‌ها، مسأله این است که این گام‌های اصلاحی، بی‌هزینه هم نیست.

جلسه آبان ماه وزیر تعاون با بازنشستگان کشوری پس از آن برگزار شد که برخی که از این فرآیند اصلاح زیان دیده بودند، سعی در فضاسازی علیه وزیر و ایجاد نگرانی در بازنشستگان داشتند. میدری هم در این جلسه پس از تأکید بر اینکه «مقام سیاسی نباید در انتخاب مدیر شرکت مداخله کند و این یک الگوی جهانی است» اعلام کرد: «بازنشستگان در این مصوبه (اصلاح نظام مدیریتی) با مشکل برخورد نمی‌کنند، زیان این مصوبه برای کسانی است که در شرکت‌ها سوءاستفاده می‌کنند. هر وقت خواستیم به کار شرکت‌ها سامان بدهیم، عده‌ای با دروغ‌پراکنی و دادن اطلاعات نادرست، سعی در انحراف از مسیر درست تغییر دارند. متأسفانه این‌گونه منتقل شد که ما شرکت‌ها را می‌خواهیم از بازنشستگان بگیریم و بعد آنان دچار مشکل می‌شوند (درحالی که مطلقاً اینطور نیست) و ما یقین داریم که این کار به نفع بازنشستگان است.»

این فضاسازی‌ها و هجمه‌ها در مسیر اصلاح، گوشه‌ای از ظرفیت‌ها و امکانات آن غول را نشان می‌دهد، غولی که حالا دولت عزم خود را برای رو در رو شدن با آن جزم کرده است.

یادداشت

انتظارات ایران از حاکمان کابل

محسن روحی‌صفت
دیپلمات پیشین در افغانستان

افغانستان کشوری با موضوعات پیچیده است که در چهار دهه گذشته دو ابرقدرت شوروی و امریکا به‌رغم حضور گسترده نظامی در آن طی دو مقطع بدون نتیجه موفقیت‌آمیز مجبور به خروج از آن شدند. این کشور پس از چندین دهه ناآرامی و جنگ‌ها نیازمند یک دوره انتقالی است تا مردم این کشور بتوانند با بهره‌مندی از اقتصاد رو به رشد، ساختار سیاسی را به شکلی تنظیم کنند که همه اقوام و فرهنگ‌ها در آن به‌صورت متناسب مشارکت داشته تا دوباره دچار تحولات سیاسی رادیکال نشود.

این موضوع از این جهت برای ایران اهمیت دارد که با هر تحول سیاسی رادیکال یا درگیری‌های داخلی، انبوهی از مهاجرین سرازیر ایران شده‌اند تا جایی که تعداد افغانستانی‌های مقیم ایران را حدود شش میلیون نفر تخمین می‌زنند و این برای کشور ۸۵ میلیونی ایران درصد بسیار بالایی است، خصوصاً که ایران تحت تحریم‌های فزاینده است. این موارد را می‌توان مهم‌ترین انگیزه سفر سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجه کشورمان به افغانستان دانست. به عبارت دیگر، انگیزه‌های موجود برای ارتقا و تقویت سیاست همسایگی بین دو کشور سبب شد تا وزیر امور خارجه برای اولین بار از زمان حکومت طالبان به این کشور سفر کند و مستقیماً درباره موضوعات دوجانبه دو کشور به بحث و تبادل‌نظر بپردازد.

از آنجا که موضوعات مطرح شده بین دو کشور همچون مهاجرین، آب، تعارضات مرزی، تجاری، ترانزیت و ... بسیار متنوع و برخی حساس هستند، ایران فارغ از اینکه چه کسی در کابل حکومت را در اختیار دارد، همواره مناسبات خود را با این کشور حفظ کرده است. از این رو می‌توان این‌طور برآورد کرد که سفر یک‌روزه وزیر امور خارجه کشورمان به افغانستان کمتر جنبه بین‌المللی داشته و تمرکز آن بر کشف راه‌حل‌های مترتب بر موضوعات دوجانبه و درک صحیح طرفین از سیاست‌های یکدیگر است. این اقدام از آن جهت صورت می‌گیرد تا در فضای آشفته سیاسی کنونی در منطقه و جهان، خطای محاسباتی بین طرفین صورت نگیرد و در عین حال موجب تقویت فضای صلح و آرامش و ثبات در منطقه شود. از جمله مهم‌ترین موضوعات و مسائل پیش روی دو کشور موضوعات اقتصادی، گمرک، ترانزیت، انرژی، مهاجرین، امنیت آب، تروریست‌های فرامرزی، توسعه و همکاری پیرامون بندر چابهار و... است. برآیند مواضع مقامات ایران و افغانستان حاکی از عزم بر گسترش بیش از پیش روابط در این عرصه است تا منافع مردم افغانستان و ایران تأمین شود. در این بین انتظار طرف ایرانی از مقامات افغانستان، تسهیل همکاری‌ها در زمینه‌های اقتصادی، تعهد به معاهدات دوجانبه و مسئولیت‌پذیری بیشتر حکومت طالبان در موضوع امنیت مرز و تروریسم است. در حوزه اقتصادی آنچه برای ایران اهمیت دارد این است که طرف افغانستانی در ارتباط با مناسبات اقتصادی و بانکی تحت‌تأثیر طرف ثالثی قرار نگیرد تا این مناسبات گشایش بیشتری داشته باشد. در این راستا اجرا و تعهد به قراردادها نیز راهگشاست. در عرصه تعهدات و توافقات دوجانبه، اولویت اول مسأله امنیت آبی شرق کشور است که تحت تأثیر طرح‌های عمرانی افغانستان در عرصه احداث سد در بالادست رودخانه‌های مرزی و مشترک نظیر هریرود و هیرمند تأثیرات منفی زیست‌محیطی بر جغرافیای سیستان و بلوچستان گذاشته و پیش‌بینی می‌شود همین وضعیت در خراسان نیز رقم بخورد.

از این رو انتظار ایران از حاکمان کابل مسئولیت‌پذیری بیشتر در قبال موضوعات زیست‌محیطی، پایبندی به توافقنامه‌های دوجانبه در موضوع آب که صراحتاً در قرارداد هیرمند درج شده و توجه به منافع مردم منطقه که ۶ میلیون تبعه افغانستانی ساکن در ایران را نیز شامل می‌شود، است.

در موضوع امنیت مرزها علاوه بر بحث مهاجران غیرقانونی، بحث حضور گروه‌های افراطی و مسلح در افغانستان که مورد اعتراض همه همسایگان این کشور واقع شده، برجسته است. به نظر می‌رسد با توجه به فضای حاکم بر روابط دو کشور، این موضوعات در فضایی مثبت مورد تبادل‌نظر طرفین قرارگرفته و با درک منافع مشترک دو کشور و ملت، مسیر بهبودی و سعادت برای طرفین مشخص است. از سوی دیگر، طبیعی است که عمده مطالبه حکومت فعلی افغانستان از ایران، بحث شناسایی رسمی آنها به عنوان دولت قانونی این کشور است که ایران بارها در مورد آن تأکید داشته که این امر نیازمند تشکیل یک حکومت فراگیر است و ایران نیز این امر را در چهارچوب منشور سازمان ملل متحد و قواعد حقوق بین‌الملل به پیش خواهد برد و امیدوار است که طالبان با اعمال اصلاحات سیاسی در به نتیجه رساندن این موضوع همت گمارد. آنچه مسلم است به‌رغم پیچیدگی موضوعات و مسائل فی‌مابین ایران و افغانستان که البته از ویژگی‌های غیرقابل‌انکار روابط همسایگی در سراسر جهان است، تمدن و فرهنگ و زبان مشترک دو کشور عاملی مهم در پیشبرد اهداف و حصول منافع مشترک و تقویت آن است. جدای از ماهیت دولت‌ها، استحکام روابط بین دو ملت را به ارمغان خواهد آورد. یادآوری این امر که پشتون‌ها بخش مهمی از جامعه متنوع افغانستان هستند که زبان آنان شاخه‌ای از زبان فارسی است، تقویت روابط فرهنگی بین دو طرف را بیش از پیش ضروری می‌نماید و باید مورد توجه واقع شود.

در آیینه حقوق بین‌الملل

تحریم‌ها و مفهوم نکسوس؛ چالش‌های حقوقی و عملی در برجام

حمید قنبری
پژوهشگر حقوق بین‌الملل

تحریم‌ها یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست خارجی هستند که قدرت‌های بزرگ از آن برای فشار بر کشورها، افراد و نهادها استفاده می‌کنند. این ابزار به دو شکل اصلی یعنی تحریم‌های اولیه و تحریم‌های ثانویه تقسیم می‌شود که هر کدام سازوکارها و اهداف خاص خود را دارند. علاوه بر این، مفهوم «نکسوس» یا ارتباط حقوقی و فنی، به‌عنوان پلی میان این دو نوع تحریم عمل می‌کند و باعث می‌شود دامنه تحریم‌ها به فراتر از مرزهای جغرافیایی کشور تحریم‌کننده گسترش یابد. برجام نمونه‌ای قابل‌توجه است که نشان می‌دهد چگونه عدم توجه کافی به این مفاهیم می‌تواند مشکلات جدی برای طرف‌های یک توافق بین‌المللی ایجاد کند. تحریم‌های اولیه به‌طور مستقیم اشخاص و نهادهایی را هدف قرار می‌دهند که تحت صلاحیت قانونی کشور تحریم‌کننده قرار دارند. برای مثال، در ایالات متحده این نوع تحریم‌ها شامل شهروندان، شرکت‌های امریکایی و حتی افرادی است که به‌طور موقت در خاک این کشور حضور دارند. این تحریم‌ها بر اساس اصول حاکمیت ملی طراحی شده‌اند و مانند هر قانون داخلی دیگری، تنها بر افرادی که در محدوده صلاحیت آن کشور قرار دارند اعمال می‌شوند. برای نمونه، اگر یک شرکت امریکایی بخواهد کالاهایی را به یک شرکت ایرانی صادر کند، حتی اگر این کالاها بی‌ضرر باشند، تحت قوانین تحریم اولیه این اقدام ممنوع است. همچنین استفاده از نرم‌افزارهای امریکایی یا پرداخت‌هایی که از طریق بانک‌های امریکایی انجام می‌شود، تحت کنترل این تحریم‌ها قرار دارد.

در کنار این تحریم‌های اولیه، تحریم‌های ثانویه وجود دارند که به‌طور خاص برای گسترش فشار بر نهادها و افراد خارجی طراحی شده‌اند. این نوع تحریم‌ها به‌نوعی تهدید هستند. به این معنا که اگر یک شخص یا نهاد خارجی با کشور یا فرد هدف تحریم همکاری کند، خود نیز تحت تحریم قرار می‌گیرد. یک مثال بارز از تحریم‌های ثانویه، تحریم‌های ایالات متحده علیه بانک‌های اروپایی است که با ایران تعامل داشتند. برای نمونه، در سال ۲۰۱۴، بانک «بی‌ان‌پی پاریباس» فرانسه به دلیل نقض تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران، سودان و کوبا مجبور به پرداخت جریمه‌ای ۹ میلیارد دلاری شد. این جریمه نشان می‌دهد چگونه تحریم‌های ثانویه می‌توانند به‌طور مؤثر بر شرکت‌ها و بانک‌های خارجی اعمال شوند.

مفهوم «نکسوس» یا ارتباط حقوقی و فنی، یکی از کلیدی‌ترین ابزارهایی است که ایالات متحده برای گسترش دامنه تحریم‌ها به کار می‌گیرد. این مفهوم به‌طور خلاصه به هر نوع ارتباطی اشاره دارد که باعث می‌شود یک فعالیت اقتصادی یا تجاری تحت صلاحیت ایالات متحده قرار گیرد. یکی از رایج‌ترین مثال‌های نکسوس، تراکنش‌های دلاری است. در سیستم مالی جهانی هر تراکنش دلاری باید از طریق شبکه بانکی امریکا تسویه شود. به همین دلیل، حتی اگر یک شرکت اروپایی بخواهد مبلغی را به یک شرکت آسیایی بپردازد و این پرداخت به دلار باشد، این تراکنش باید از بانک‌های امریکایی عبور کند. در نتیجه ایالات متحده می‌تواند این تراکنش را متوقف یا بلوکه کند، اگر متوجه شود که یکی از طرف‌های این معامله تحت تحریم است.

برای روشن‌تر شدن نقش نکسوس، به یک مثال بانکی نگاه کنیم؛ فرض کنید یک شرکت اروپایی قصد دارد مبلغی را به یک بانک در ایران منتقل کند. اگر این انتقال به دلار انجام شود، به دلیل عبور این تراکنش از سیستم بانکی امریکا، ممکن است مسدود شود. حتی اگر این انتقال به یورو انجام شود، اما یکی از طرف‌های آن از نرم‌افزارهای امریکایی استفاده کرده باشد، باز هم احتمال مداخله وجود دارد. این نشان می‌دهد که نکسوس تنها به واحد پول محدود نیست، بلکه شامل فناوری، افراد و حتی مسیرهای ارتباطی می‌شود. در برجام یکی از موضوعات کلیدی که باعث ایجاد مشکلات شد، نپرداختن دقیق به مفهوم نکسوس بود. در این توافق تصریح شده بود که تحریم‌های اولیه ایالات متحده لغو نخواهند شد، اما وعده داده شد که تحریم‌های ثانویه برداشته شوند. بااین‌حال مفهوم نکسوس و پیامدهای آن به‌طور کامل بررسی نشد. نتیجه این بود که بسیاری از شرکت‌ها و بانک‌های غیرامریکایی که قصد همکاری با ایران را داشتند، به دلیل نگرانی از ایجاد ارتباط با سیستم مالی امریکا، از انجام معامله با ایران صرف‌نظر کردند. برای مثال بانک‌های بزرگ اروپایی مانند «دویچه بانک» و «اچ‌اس‌بی‌سی» حتی پس از برجام نیز از تعامل با ایران خودداری کردند، زیرا نمی‌خواستند ریسک نقض قوانین تحریمی امریکا را بپذیرند. یکی از تکنیک‌هایی که ایالات متحده برای گسترش دامنه تحریم‌های اولیه به کار می‌گیرد، تعمیم صلاحیت به شعب خارجی شرکت‌های امریکایی است. برای مثال اگر یک شرکت تابعه امریکا در اروپا با یک نهاد ایرانی همکاری کند، حتی اگر این همکاری در خاک امریکا انجام نشود، همچنان ممکن است تحت قوانین تحریم‌های امریکا قرار گیرد. این موضوع به‌طور خاص در تحریم‌های مربوط به ایران و کوبا مشاهده می‌شود، جایی که حتی شرکت‌های تابعه خارجی نیز موظف به رعایت قوانین تحریمی امریکا هستند. برجام نشان داد که عدم توجه کافی به مفاهیمی مانند نکسوس می‌تواند تأثیرات منفی جدی داشته باشد. اگرچه وعده رفع تحریم‌های ثانویه داده شد، اما در عمل این وعده به دلیل عدم پیش‌بینی راهکارهای عملی برای مدیریت نکسوس ناکارآمد بود. به همین دلیل حتی شرکت‌هایی که هیچ ارتباط مستقیمی با امریکا نداشتند، از همکاری با ایران اجتناب کردند. این تجربه نشان می‌دهد که در مذاکرات بین‌المللی درک عمیق و جامع از مفاهیمی مانند نکسوس و پیامدهای آن ضروری است.

در مجموع، تحریم‌های اولیه و ثانویه همراه با مفهوم نکسوس، ابزاری پیچیده اما مؤثر در سیاست خارجی هستند. تجربه برجام و مشکلات ناشی از آن نشان‌دهنده اهمیت تحلیل دقیق این مفاهیم و پیش‌بینی پیامدهای عملی آنها در هر توافق بین‌المللی است. برای ایران و سایر کشورهایی که تحت تحریم قرار دارند، مدیریت این مسائل نه تنها برای کاهش فشارها بلکه برای ایجاد تعاملات مالی و اقتصادی پایدار با جامعه جهانی حیاتی است.